

Persische Abstrakte

فرهنگ صلح از منظر خواجه نصیرالدین طوسی

شهین اعوانی^۱

(صفحه ۱ تا ۱۶)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۰۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۵/۰۸/۲۰۲۰

چکیده

صلح یکی از مظاهر تمدن و فرهنگ است. از منظر فلسفه اسلامی «فرهنگ صرفاً روش فکر یا سبک زندگی، اخلاق عرفی، روش برخورد (نحوه رفتار) و هنجار نیست بلکه فرهنگ «طبیعت شانوی انسان» و هویت جمیع جامعه مسلمان (امّت) را مشخص می‌کند که در آن اساس ارزش‌های نظری و عملی شکل می‌گیرند تا بتوان بر آن مبنای با سایر ملل همزیستی مسالمت‌آمیز داشت.

خواجه نصیرالدین طوسی (۶۷۲-۵۹۷ق.) کتاب اخلاق ناصری را در سال ۱۲۳۵/۶۳۳م. ق. تألیف کرده است و یکی از منابع فلسفه اسلامی محسوب می‌شود. این کتاب فصلی درباره حکمت عملی دارد که بعد از فصل «تهذیب الاخلاق» است و پنج بخش دارد: منزل و ارکان آن؛ تدبیر اموال و اقوات؛ تدبیر اهل خانه؛ تدبیر و تأديب اولاد؛ در معرفت سیاست و تدبیر خدم و عبید. فصل سوم (آخر) درباره سیاست مدن است که هشت بخش دارد.

مقاله به موضوع «فرهنگ صلح از منظر خواجه نصیرالدین طوسی و تأثیر آن بر بنیان صلح» می‌پردازد. هم‌چنین این سؤال را پی می‌گیرد که آیا تفکر طوسی می‌تواند الگویی برای جامعه امروزی تلقی شود یا خیر.

با توجه به این که هم «جهانی‌شدن غربی» و هم «افراتی‌گرایی اسلامی» صلح را به خطر می‌اندازند، این سؤال مطرح می‌شود که برای بازگرداندن صلح و امنیت جامعه کنونی ما چه باید کرد؟

کلیدواژه‌ها

خواجه نصیرالدین طوسی، صلح، مغولان، فلسفه مبتنی بر خرد، اخلاق ناصری، سیاست مدنی.

۱ مؤسسه پژوهشی حکمت و فلسفه ایران، ریانامه: shaawani@gmx.de; aawani@irip.ac.ir

شهر را دیدی؟ ملاحظاتی در باب توصیف «شهرهای مشرق‌زمین» در سفرنامه‌های آلمانی‌زبان سده نوزدهم

فلیکس باخمن^۱

(صص ۱۷ تا ۳۴)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۸/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۹/۲۰

چکیده

مقاله مربوط به مسافران آلمانی‌زبانی سده نوزدهم است که به اصطلاح به «شرق» سفر کرده‌اند. توصیف‌ها شهرهای مشرق‌زمین به ویژه موضوع کانونی این گزارش‌ها است. مقاله به سبب مقایسه‌ای که میان جملات سفرنامه‌های مختلف نویسنده‌گان انجام می‌دهد، مشخصه‌های اصلی و مشابهت‌های آن‌ها را نشان داده و معرفی می‌کند. از جمله نتایج مقاله این است که توصیف شهرها عمیقاً از کلیشه‌ها و انتظارات نادرست متأثر است و این البته منبعث از فقدان منابع و اطلاعات قابل اتکا در باره خصایص شهرهای مشرق‌زمین است. علاوه بر این، نویسنده‌گان از منظری اروپامحور گزارش‌های سفر خود را به دست می‌دهند. در این سفرنامه‌ها از مغرب‌زمینی سخن می‌رود که در مقایسه با شهرهای مشرق‌زمین موضوع سفر نویسنده‌گان، در مرتبه‌ای مسلط و سرآمد قرار دارد. تنها در یکی از این روایات شاهد فقدان چنین خصایصی هستیم. جالب توجه است که نویسنده برخلاف دیگر گزارشگران، سفیر و یا دانشمند نیست بلکه در زمرة پیشه‌وران صنایع دستی است که باورمند و مؤمن است.

کلیدواژه‌ها

شرق‌شناسی، اروپامحوری، کلیشه‌ها، سده نوزدهم، سفرنامه‌ها، مسافران آلمانی، امپراتوری عثمانی، ایران، قاجاریان.

۱ دانشگاه مارتین لوثر هاله- ویتنبرگ، رایانمه: felix.bachmann@student.uni-halle.de

لوگوس یا کلمه الهی از دیدگاه اوریگنس اسکندرانی و فیض کاشانی

نسترن فهیمی^۱

علیرضا ابراهیم^۲

(صص ۳۵ تا ۵۶)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۱۶؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۲۵

چکیده

مفاهیم «لوگوس» یا «کلمه خداوند» در الهیات مسیحی و اسلامی دارای محوریتی هستند که چگونگی تفسیر آنها، بر دیگر ارکان الهیات نیز اثر می‌گذارد. این تحقیق که با روش توصیفی- مقایسه‌ای به انجام رسیده، می‌کوشد تا نظرات اوریگنس اسکندرانی و فیض کاشانی را در این خصوص همسنجی نماید. از یافته‌ها نمایان است که ایشان بر اساس زمینه‌های فلسفی (نوافلسطونی یا ارسسطوی)، در پی تجهیز الهیات به عقلانیت بودند و بر مبنای بسترهای عرفانی (گنوسی یا صوفیانه)، به نظامی از مراتب تجلیات الوهی اعتقاد داشتند. آنان لوگوس یا کلام را یکی از شئون یا اسماء الوهیت می‌دانستند که به اقتضای «فیض» یا «لطف» از خداوند صادر گردیده و به صورت حقیقت عیسی یا حقیقت محمدیه متجلی شده است. این حقیقت در مرحله‌ای دیگر، موجد مراتب نازلة خلقت بوده و در قالب عوالم وجود و انسان متجلی شده است. همچنین، لوگوس یا کلام الهی اداره امور عالم و هدایت مخلوقات در بازگشت به خداوند را نیز بر عهده دارد. همانندی تفاسیر اوریگنس و فیض به ویژه نشان می‌دهد: فهم عرفانی شیعه از جایگاه عیسی مسیح که بر مبنای روایات معصومین علیهم السلام قرار دارد، با گونه‌ای از «میسیح‌شناسی» که در فضای فکری پیش از شوراهما در تاریخ مسیحیت وجود داشته، همخوانی دارد.

کلیدواژه‌ها

کلمه، لوگوس، انسان، اوریگنس اسکندرانی، فیض کاشانی.

۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، رایانامه: nas.fahimi59@gmail.com

۲ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال، رایانامه: alirezaebrahim90@gmail.com

واژه‌نامهٔ مترادفِ تطبیقی و تمایزگذرانده به مثابه‌الگویی جایگزین و مکمل برای واژه‌نامهٔ دوزبانه. مقایسه‌ای با بهره‌گیری از مثال‌های فارسی و آلمانی

آرش فرهیدنیا^۱

(صص ۵۷ تا ۷۶)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۲۱؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۲۲

چکیده

فرهنگ لغت دوزبانه معمولاً بر مبنای این اصل طراحی شده است که مراجعه‌کننده در اسرع وقت به نتیجهٔ مطلوب جستجویش برای ترجمهٔ یک واژه برسد. بدین‌منظور این نوع لغتنامه واژگان زبان مبدا را به ترتیب حروف الفبا تدوین کرده و رو بروی هر واژه ترجمه آن را ارائه می‌دهد و به رجوع‌کننده این‌طور وانمود می‌کند که گویی برای هر واژه زبان مبدأ یک یا چند واژه دیگر در زبان مقصد موجود است که از نظر معنی با واژه زبان مبدأ هیچ‌گونه تفاوتی ندارد. گرچه این نوع طراحی این امکان را برای رجوع‌کننده فراهم می‌کند که در اسرع وقت، واژه و معنای مدنظر خود را بیاید، اما از سوی دیگر این مجال را از او می‌گیرد که واژگان دو زبان را با نگاهی نقادانه مقایسه و تفاوت آنها را درک کند، زیرا اگر با نگاهی دقیق واژه‌هایی را که هم در زبان مبدأ و هم در زبان مقصد با یکدیگر از نظر معنی مترادفند، مورد بررسی و مقایسه قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که این دو نظام واژگانی معادل هم‌دیگر نیستند. اما لغتنامه‌های دوزبانه بعضاً بدون توجه به این که در غالب موارد، در زبان مقصد معادلی نمی‌توان یافت که قادر به بازتاب تفاوت‌های ظریف واژه‌های زبان مبدأ (و بالعکس) باشد، به ارائه تک‌تک لغات و ترجمه آن‌ها به زبان مقصد ادامه می‌دهند. مقالهٔ ذیل مترصد است این مسئله را بوسیلهٔ چند واژه برگزیده از آلمانی و فارسی، متعلق به حوزهٔ معنایی «نبرد» مورد بحث و بررسی قرار دهد. نگارنده به تأثیف نوعی لغتنامه تطبیقی دعوت کرده است که به عنوان جایگزین و مکملی مطلوب، واژه‌های زبان مبدأ و مقصد را نه تنها به عنوان معادل یکدیگر، بلکه به عنوان اجزای مختلف دو نظام واژگانی مورد بررسی و مقایسه قرار دهد؛ به طوری که هر کدام از واژه‌ها را از نظر ساختار معنایی و از بُعد کاربردش در زبان مورد نظر، تجزیه و تحلیل و سپس آن‌ها را به زبان دیگر ترجمه کند. هدف از تأثیف این نوع لغتنامه، مقایسه تطبیقی دو زبان از بُعد نظام واژگانی و نیز کمک به رجوع‌کننده در استفاده هر چه صحیح‌تر از واژه‌های مترادف یک زبان خارجی است.

کلیدواژه‌ها

لغت نامه دوزبانه، واژه نامه‌نویسی تطبیقی، معانی صریح، ساختار ناهمگون زبان‌ها، معناشناسی مترادف و متمایز، ناهمسان‌گردی واژگانی، معناشناسی، آنومزیولوژی، معادل ترجمه، حوزه واژگان.

^۱ دانشگاه علامه طباطبائی، رایانامه: a.farhidnia@gmail.com

ریشارد واگنر و حافظ؛ حافظ و اخذ و پذیرش حافظ در مغرب زمین

مارکوس فیدلر^۱

(صص ۷۷ تا ۸۴)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۸/۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۲۱

چکیده

علاوه‌مندی به حافظ شاعر و عارف ایرانی (۱۳۹۰-۱۳۱۵) در مغرب زمین در سده هجدهم با ترجمة سر ویلیام جونز (۱۷۹۴-۱۷۴۶) در انگلستان شدت یافت. ترجمة هامر پورگشتال از حافظ در سده نوزدهم الهام‌بخش سروden کتاب دیوان غربی-شرقی توسط گوته گردید که در سال ۱۸۱۹ منتشر شد. هنر شاعری چندان گوته را به وجود آورد که حافظ را «حافظ قدسی» و «دوست آسمانی» خواند. شماری از شعرای آلمانی و در میان آن‌ها روکرت و پلاتن که از کتاب گوته الهام گرفته بودند بر مبنای الگوی غزل که صورت کمال یافته آن را در شعر فارسی نزد حافظ می‌توان یافت، به سرایش روی آوردنند. نیچه، دوست واگنر که بعدها خصم وی گردید در شمار متغیرانی است که از حافظ متأثر شده است و بسیار از او ملهوم شده است. مقاله پس از بیان این ملاحظات تاریخی به تفصیل به شرح چگونگی بهره‌مندی واگنر از فرم و مضمون شعر حافظ می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

حافظ، واگنر، دین واگنر، پارسیفال، عرفان مایستر اکهارت.

ادبیات آرمانشهری در خاورمیانه: تمرد یا اطاعت از قدرت در اندیشه سیاسی سعدی در دوران اتابکان و مغولان

محمدامیر جلالی^۱

علیرضا امیدبخش^۲

(صص ۸۵ تا ۱۱۰)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۲۵

چکیده

مقاله حاضر به بررسی فرهنگ و ادبیات آرمانشهری در خاورمیانه به‌ویژه آراء سیاسی سعدی، تمرد یا اطاعت او از قدرت حاکم و نیز تعیین نسبت دیدگاه‌های او با دو دوره سیاسی روزگار وی، یعنی عصر اتابکان فارس (از سال ۶۵۵ ه.ق. و بازگشت سعدی به شیراز تا ۶۶۲ ه.ق. سال برتحت‌نشستن ابش‌خاتون)، و دوره زوال حکومت اتابکان و چیرگی حاکمان مغول (از ۶۶۲ ه.ق. تا فوت سعدی در ۶۹۴ ه.ق.) براساس تمامی آثار سعدی (اعم از بوستان، گلستان، قصاید، قطعات، رسائل و غزلیات وی) می‌پردازد. آنچه آراء سعدی را از دیگر مشایخ اهل وعظ و عرفان متمایز می‌سازد، بسنده‌نگردن به مقوله تهذیب اخلاق فردی و ورود به حوزه سیاست مُدُن است. سعدی در جهت اصلاح جامعه در پی تربیت یک «حاکم حکیم» بود و بخش‌هایی قابل توجه از آثار خود را به این مسئله اختصاص داده است. وی حتی به‌تبع سنت سیاست‌نامه‌نویسی در ایران، دارای رساله‌ای خطاب به پادشاهان به نام نصیحه‌الملوک است. قراردادن باب «در سیرت پادشاهان» به عنوان باب نخست گلستان نشان‌دهنده میزان اهمیت شیوه حکومت و کشورداری در اصلاح ساختارهای اجتماعی از دید سعدی است؛ همانگونه که عنوانین دو باب «عدل» و «احسان» به عنوان نخستین و دومین باب بوستان (که متنی است به مثابه آرمانشهر سعدی) همسو با متون نظری در سیاست مُدُن همچون اخلاق ناصری است. نخستین مرحله اصلاح یک جامعه، نقد وضعیت موجود است و سعدی در این ساحت و در هر دو دوره به همه اقتشار روزگار خود خاصه شاهان و حاکمان نقدهای متعددی دارد و در عرصه پیشنهاد جایگزین مطلوب نیز ایجاد سه رکن «رفاه»، «امنیت» و «آرامش» را مهمترین وظیفه سیاسی و اجتماعی یک حکومت در قبال مردم آن دانسته است. در مقاله حاضر آراء سیاسی سعدی در نقد شرایط موجود و پیشنهاد جایگزین‌های مطلوب بررسی و مصاديق آن به‌دست داده شده است.

کلیدواژه‌ها

۱ دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: m.jalali@atu.ac.ir

۲ دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. ایمیل: a.omid@atu.ac.ir

آرمانشهر، سعدی، اندیشه سیاسی، اصلاح جامعه، قدرت، نقد شرایط موجود، پیشنهاد جایگزین
مطلوب.

قیصر امپراطوری مقدس رم، فریدریش دوم هوهن‌اشتاوفنی تبار و عرفان اسلامی

رولاند پیچ^۱

(صص ۱۱۱ تا ۱۳۸)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۱۲؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۱۱

چکیده

قیصر امپراطوری مقدس رم، فریدریش دوم هوهن‌اشتاوفنی تبار (۱۱۹۴-۱۲۵۰) که در شمار مهم‌ترین حاکمان سده‌های میانه است دانشمندانی را از سراسر اروپا و جهان اسلام به دربار خود در سیسیل فراخواند و قصد او این بود که آن‌ها را مورد حمایت قرار دهد. مقاله پس از این که نگاهی گذار به زندگی این قیصر می‌افکند، عمدتاً مناسبات معنوی وی را با جهان اسلام مدنظر قرار می‌دهد و به آنها می‌پردازد. اوج این مناسبات ناظر به پرسش‌هایی است که قیصر مقدس روم در زبان عربی برای فضلای مسلمان مطرح کرد. این پرسش‌ها از جانب عالمان اندلسی و عارف مسلمان عبدالحق ابن سبعین (۱۲۱۶/۱۲۱۷-۱۲۷۰) به تفصیل پاسخ داده شده است. پاسخ‌های این عارف که موسوم به المسائل الصقلیه (مسائل سیسیلی) است در مقاله به نحو بنیادی تحلیل شده است. موضوع مهم‌ترین پرسش‌ها عبارتند از: دیمومت جهان، علم خدا، مقولات ارسطویی، جاودانگی نفس و تفسیر حدیث «قلب مؤمن میان دو انگشت از انگشتان رحمان است» (قلب المؤمن بين أصابع من أصابع الرحمن). این پرسش‌ها نشانه‌هایی منحصر به فردی هستند که از روابط فرهنگی میان اروپای مسیحی سده‌های میانه و جهان اسلام حکایت دارد. نصیر الدین فرات تقریباً صد سال پس از وفات فریدریش دوم هوهن‌اشتاوف نوشت: «منقول است که پادشاه در خفا به اسلام روی آورده بود اما این خداست که بهتر از هر کس دیگر از جایگاه و ایمان وی مطلع است.

کلیدواژه‌ها

قیصر امپراطوری مقدس رم، فریدریش دوم هوهن‌اشتاوفنی تبار، عبدالحق ابن سبعین، مسائل سیسیلی، دانش الهی، معرفت عرفانی، عرفان اسلامی، رابطه میان مسیحیت سده‌های میانه در اروپا و جهان اسلام.

۱ دانشگاه ماکسیمیلیان مونیخ، رایانامه: roland.pietsch@t-online.de

بررسی مقوله «زندگی» در شعر «قصیده زندگی ظاهري» اثر هوگو فون هوفمانستال و شعر «صدای پای آب» اثر سهراب سپهری

الهام رحمانی مفرد^۱

(صص ۱۳۹ تا ۱۵۸)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۸/۱۸؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۹/۳۰

چکیده

«زندگی» مقوله‌ای است که در ادبیات به شکل‌های متفاوت و از منظرهای مختلف به تصویر کشیده می‌شود. مفهوم «زندگی» اغلب در ادبیات به صورت فraigir و همه‌جانبه توصیف نمی‌شود و یک تصویر کامل از آن در تک‌تک آثار ادبی دیده نمی‌شود از آن‌رو که هر نویسنده‌ای مقوله «زندگی» را از پنجه نگاه خود می‌بیند و توصیف می‌کند.

در مقاله حاضر تصویر متفاوت و متنوع «زندگی» در شعر «قصیده زندگی ظاهري» اثر هوگو فون هوفمانستال (۱۸۷۴-۱۹۲۹) شاعر مشهور ادبیات سمبولیسم و ابتدای قرن بیستم آلمان و در ابیات مربوط به زندگی در شعر بلند «صدای پای آب» اثر سهراب سپهری (۱۹۲۸-۱۹۸۰) شاعر معاصر ایرانی بررسی می‌شود. اگرچه هر دو شاعر در زندگی خود یک جنگ جهانی را تجربه کرده‌اند، ولی تأثیر منفی و ناخوشایند جنگ و پیامدهای آن در اشعار ایشان با توصیف متفاوتی از مفهوم «زندگی» به‌چشم می‌خورد. به‌طور مثال، سهراب از گذر زندگی و لحظات و رخدادهای آن لذت می‌برد، درحالی که هوفمانستال از این گذر شکایت دارد. این مقاله سعی دارد با بررسی مقایسه‌ای دو شعر نامبرده تنوع و کثرت این توصیفات را درباره حقیقتی واحد به نام «زندگی» نشان دهد.

کلیدواژه‌ها

زندگی، هوفمانستال، سهراب سپهری، گذر زمان، تجربه.

۱ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، ریانامه: e_rahmani1350@hotmail.com

شناخت هنرمندان غرب با فرهنگ و هنر شرق و اسلام از طریق نمایشگاه‌های بین‌المللی (۱۹۵۱-۱۹۱۰)

پریسا شاد قزوینی^۱

(صص ۱۵۹ تا ۱۸۰)

تاریخ دریافت: ۲۲/۰۸/۲۰۲۰؛ تاریخ پذیرش: ۱۹/۰۹/۲۰۲۰

چکیده

آشنایی اروپائیان با آثار هنری و صنایع دستی شرق و ملت‌های اسلامی تا اواسط قرن نوزدهم از محدودیت برخوردار بود و شناخت کافی از محتوا و بیان‌های متعالی آنها وجود نداشت. تفکیک آثار هنری کشورهای مختلف شرق و ویژگی‌های هریک و اینکه به چه دورانی تعلق دارند و همچنین شیوه‌های تولید و اجرای آنها به سختی صورت می‌گرفت. از این زمان به بعد با برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی و در کنار هم قرارگرفتن آثار هنری ملل مختلف شرق، هنرمندان غربی توانستند ویژگی‌های فرهنگی و ساختاری عمیق آثار این ملل را از هم تشخیص دهند. این نمایشگاه‌ها نه تنها به شناخت اروپائیان از هنر شرقی کمک کرد، بلکه همچنین علاقه و میلی را در هنرمندان ایجاد نمود که به نقوش، تزئینات و فرم‌های شرق تأسی جویند و به شرق‌گرایی رو آوردند.

از سال ۱۸۵۱ م. که اولین نمایشگاه بین‌المللی در لندن برگزار شد، تا ۱۹۱۰ م. که نمایشگاه هنر محمدانه در مونیخ برپاشد، به طور متناوب بیش از ده‌ها نمایشگاه بین‌المللی در کشورهای مختلف اروپا برپا گردید. مواجهه رودرروی هنرمندان غرب با فرهنگ بصری آثار دنیای اسلام، تحول دید و نگاه و سبک در نقاشی غرب ایجاد کرد که «سبک آرنو» یکی از نمونه‌های بارز آن است. در اینجا سه سوال مطرح می‌شود: ۱. با چه هدفی دول اروپایی به برگزاری نمایشگاه‌های بین‌المللی صنایع، فرهنگ و هنر پرداختند؟ ۲. هنرمندان اروپایی در بازدید از این نمایشگاه‌ها چه تأثیراتی از هنر شرق اسلامی گرفتند؟ ۳. در این مواجهه چه تغییرات بینشی و بنیادی برای هنر غرب ایجاد شد؟ فرضیه مقاله بر این مهم اشاره دارد که مواجهه مستقیم هنرمندان اروپایی با هنر اسلامی و هنر شرقی تحول بنیادی در سبک و اجرای آثارشان ایجاد کرد. روش تحقیق این مقاله، تحلیل تاریخی کیفی داده‌هاست که با گرداوری مستندات کتابخانه‌ای به استنادسازی مباحث متن مقاله و اثبات فرضیه می‌پردازد.

کلیدواژه‌ها

۱ دانشگاه الزهرا تهران، رایانامه: shadparisa@yahoo.com

شرقگرایی، هنر اسلامی، نمایشگاه‌های بین‌المللی، هنرمندان غرب.

آیا شاعران را توان آن است که خاستگاهشان را از شعرشان جدا کنند؟ به فارسی، نوشتار به آلمانی حس

میترا شاهمرادی^۱

(صص ۱۸۱ تا ۲۰۴)

تاریخ دریافت: ۲۰۲۰/۰۷/۲۲؛ تاریخ پذیرش: ۲۰۲۰/۰۸/۳۰

چکیده

زبان مهمترین عنصر برای زنده‌ماندن در اجتماع و فرهنگی دیگر به‌ویژه زنده‌ماندن روحی، دور از فرهنگ خود می‌باشد.

من معمولاً به زبانی می‌نویسم که زبان مادریم نیست، ولی این به معنی گسترشدن ارتباطم، به عنوان شاعر، با فرهنگ اصلی و آغازینم نیست. برعکس، هرچه بیشتر در فرهنگ دیگری زندگی می‌کنم و هرچه سالخورده‌تر می‌شوم، اشتیاقم برای زادگاه با من رشد می‌کند.

در نوشته‌هایم غالباً بازمی‌گردم به بهشت گمشده، به نفرین و بیرون رانده‌شدن انسان از بهشت. این فکر همواره در ذهنم تکرار می‌شود که آیا هر وقت در شرایط گوناگون که خود را گمشده احساس می‌کنم، از خود می‌پرسم که آیا این ترس‌های زندگی با آن ترس ابدی پیوند دارد و اشتیاق به وطن نیز می‌تواند ناشی از آن باشد.

اتفاقات واقعی زندگی می‌توانند در من احساس‌های مشترک کهن را بیدار کنند و خود را با پیشامدهای ماورای طبیعی پیوند دهند.

کلیدواژه‌ها

بهشت، وطن، درد وطن، اشتیاق، زمینی، الهی، استعاره، عرفان.

۱ هنرمند، نویسنده و پژوهشگر آزاد در وین، رایانمه: atelier@mitra-strohmaier.com

